

پهنه‌بندی فضایی فقر شهری در باقرشهر

حمیرا ندیم^{۱*}، حسین حاتمی‌نژاد^۲، علی نوری کرمانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استادیار، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

چکیده

فقر در پیرامون کلان شهرها، به یک پدیده فراگیر تبدیل شده است. در این میان، باقرشهر یکی از نقاط شهری پیرامون تهران است که به صورت شتابان و غیرنظام‌مند، رشد کرده است. چنانچه جمعیت آن در پنجاه سال اخیر بیش از ۳۴ برابر شده است. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر، تعیین گستره‌های فقر شهری در این شهر جهت برنامه‌ریزی مدیران و سیاست‌گذاران برای ساماندهی و توانمندسازی آنها است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن، توصیفی-تحلیلی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل Factor Analysis و از نرم‌افزار GIS در تهیه و تولید نقشه‌ها استفاده شده است. با استفاده از نرم‌افزار GIS و مدل تحلیل عاملی اقدام به تعیین مکانی پهنه‌های فقر در باقرشهر شده است. یافته‌های پژوهش نشان دهنده آن است که تعداد ۱۴۶ بلوک معادل ۵۳ درصد خیلی فقیر و فقیر، ۸۲ بلوک معادل ۳۰ درصد متوسط، ۴۶ بلوک معادل ۱۷ درصد مرفه و خیلی مرفه در باقرشهر وجود دارد. نتایج گویای آن است که شهر به طور عمده تحت تسلط طبقه فقیر و بسیار فقیر قرار گرفته است. به طوری که فقر در تمام سلول‌های شهر نفوذ کرده و عینیت مکانی و فضایی یافته است. پهنه غربی شهر به طور کامل به مکان سکونت طبقه فقیر و خیلی فقیر تبدیل شده است. همین‌طور در شمال شرقی شهر، اسکان طبقه فقیر به وضوح دیده می‌شود. در واقع بیش از ۵۰ درصد بلوک‌های شهری به طبقه خیلی فقیر اختصاص یافته است. تنها بخش‌های محدودی از پهنه مرکزی و شمال شهر به طبقه متوسط و مرفه اختصاص پیدا کرده است. بیشترین تمرکز فقر در محدوده پیرامون جاده قم، میدان امام خمینی، خیابان آیت اله کاشانی و محدوده‌های پایین‌تر از شهر سنگ تمرکز یافته است.

کلید واژه‌ها: فقر شهری، محله‌های فقیرنشین، پهنه بندی فضایی، تحلیل فضایی، باقرشهر.

مقدمه

تغییر سریع جمعیت از مناطق روستایی به سمت مراکز شهری و شکل‌گیری مفهوم شهری شدن جهان به وقوع پیوسته است (Owusu, 2016:2). در سال ۲۰۱۴، ۵۴ درصد جمعیت جهان در شهرها سکونت گزیده‌اند؛ در حالی که در سال ۱۹۹۵، ۳۰ درصد جمعیت در شهرها زندگی می‌کردند و بنا بر تخمین‌های صورت پذیرفته در سال ۲۰۵۰، ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (Christiaensen et al., 2015:1). هم‌چنین بنا بر پیش‌بینی‌های صورت پذیرفته در سال ۲۰۲۰، بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در شهرها زندگی خواهند نمود (United Nations, 2014:9).

در عصر حاضر به تبع گسترش شهرنشینی، رشد کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ، نیز اتفاق افتاده است. به‌طوری که تعداد کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه دو برابر شده است. به این معنا که از ۲۲ شهر بزرگ و ۱۴ کلان‌شهر در سال ۱۹۹۵ به ۴۴ و ۲۹ شهر بزرگ و کلان‌شهر در سال ۲۰۱۵ رسیده‌اند (UN-Habitat, 2016:8). رشد شتابان شهرنشینی تعادل و توازن شهرها را بر هم زده و چالش‌های فراوانی ایجاد نموده است (Spence et al., 2009:19). به طوری که با تمرکز جمعیت و ایجاد کلانشهرها، جمعیت زیادی را به سوی خود جذب می‌کنند چرا که کلانشهرها آشنای مردم، سرمایه‌گذاری، کسب‌وکارها و سازمان‌ها هستند (هاروی، ۱۳۹۵:۹۵). بنا بر برآوردهای موجود از یک میلیارد نفر افراد فقیر بیش از ۷۵۰ میلیون نفر از آنها، در مناطق شهری سکونت دارند که از داشتن سرپناه مناسب و دریافت خدمات پایه محروم هستند (Tacoli, 2012:17). حدود ۳۷ درصد جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه در بخش غیررسمی شاغل‌اند و یک چهارم خانواده‌ها در فقر به سر می‌برند (حسینی نیا و مهدوی سعیدی، ۱۳۹۹:۲). افزون بر این، سهم فقرایی که با درآمد روزانه یک دلار در مناطق شهری زندگی می‌کنند، در فاصله سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۳ از ۱۹ درصد به ۲۵ درصد رسیده است (در حالی که سهم جمعیت شهری به عنوان یک کل از ۳۸ درصد به ۴۲ درصد رسیده است. از این رو شهرنشینی روزافزون باعث شهری شدن فقر شده است. چنان‌چه به طور متوسط خط فقر شهری، ۳۰ درصد بالاتر از خط فقر روستایی است (UN-Habitat, 2016:8).

در همین راستا، عده‌ای از پژوهش‌گران بر لایه‌های پنهان و زیرپوستین شهرها نظیر اسکان غیررسمی، زاغه‌نشینی، محرومیت و فقر تاکید نموده‌اند (Turok & McGranahan, 2013; Ravallion et al., 2007). هیچ‌گونه توافقی در خصوص مفهوم فقر شهری وجود ندارد. با وجود این، مجموعه‌ای از مشخصه‌ها نظیر درآمد ناکافی، عدم دسترسی به خدمات پایه از جمله مراقبت‌های بهداشتی، مدارس، خانه امن، تدارک مناسب آب و بهداشت برای آن بیان شده است (World Bank, 2010; Christiaensen et al., 2013:12). آمارتیا سن، مفاهیم دیگری نظیر محرومیت نسبی، ناعدالتی و طرد اجتماعی را به ویژگی‌های فقر افزوده است (Montgomery, 2009:3). همین‌طور مسکن ناپایدار، غیررسمی و فاقد امکانات زندگی (Mitlin & Satterthwaite, 2013) و فروانی واحدهای مسکونی استیجاری پرجمعیت (Tacoli et al., 2014) از دیگر مشخصه‌های فقر شهری است. به تبع این وضعیت، محله‌های فقیرنشین دارای ویژگی‌هایی نظیر ازدحام بیش از حد جمعیت، بافت نابسامان و ناکارآمد، خانه‌های فرسوده و کثیف، فقر و نابسامانی اجتماعی، فقدان ذخیره کافی آب؛ بهداشت ناکافی؛ ناامنی حق تصرف، کیفیت ساختاری ضعیف برای واحدهای مسکونی یا محیط کالبدی ناسالم؛

زوال شهری، میزان بالای فقر، بیسوادی و بیکاری و تاب‌آوری پایین هستند. هم‌چنین آنها زمینه‌های مستعدی برای انواع مسائل اجتماعی نظیر جرم و جنایت، سوء مصرف مواد مخدر، میزان بالای بیماری‌های روحی و خودکشی می‌باشند. به عبارت دیگر، شهرها به طور روزافزونی ناعادلانه، نابرابر و دوقطبی شده‌اند چراکه ساکنان محله‌های فقیرنشین از مزایا و فرصت‌هایی که بوسیله شهرها ارائه می‌شود سود نمی‌برند. بنابراین سیاست‌سازان و سیاست‌گذاران شهری دیگر نباید شهرها را به عنوان کل‌های یکنواخت (به این معنا که به طور سنتی متخصصان توسعه بر روی دو سطح فضایی شهر و روستا متمرکز شده‌اند، اما اکنون باید سطح سوم فضایی یعنی محلات فقیرنشین و فرودست شهری نیز به این تحلیل افزوده گردد) در نظر بگیرند (Biau, 2007; IRIN, 2007; UN-Habitat, 2007).

باقرشهر یکی از شهرهای حاشیه‌ای کلان‌شهر تهران بوده که در محور ارتباطی تهران-قم و درحوزه استحفاظی شهرستان ری واقع شده است و دارای جمعیتی بیش از ۸۰ هزار نفر شهروند بومی و مهاجر اتباع خارجی می‌باشد. این شهر با مساحت بالغ بر ۴۴/۳ کیلومتر مربع، از شمال با مناطق ۱۹ و ۲۰ شهرداری تهران، از جنوب به شهر کهریزک، از جنوب شرقی با جلگه ورامین، از جنوب غربی با بهشت زهرا (س) و بارگاز مطهر حضرت امام خمینی (ره) هم‌جوار است. باقرشهر در سرشماری سال ۱۳۷۵، یک آبادی محسوب می‌شد. این آبادی در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ به شهر تبدیل گردید و جزو نقاط شهری شهرستان ری محسوب شد. بر اساس یافته‌های سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵، جمعیت باقرشهر برابر ۱۵۲۰ نفر بوده است که در یک دورهٔ چهار ساله از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۸۵ با میزان رشدی برابر ۹/۲۶ درصد در سال به ۵۲۶۰۴ نفر افزایش یافته است. بدین ترتیب جمعیت شهر این دوره بیش از ۳۴ برابر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). هم‌چنین باید یادآور شد، که در طرح مجموعه شهری تهران از باقرشهر (باقرآباد) به عنوان نقطهٔ حاشیه‌ای و اسکان غیررسمی در منطقهٔ شهری تهران یاد شده است و در سال ۱۳۷۵ از باقرشهر به عنوان یک نقطهٔ حاشیه‌ای نام برده شده است. باقرشهر هنوز هم تاحدی، از ویژگی حاشیه‌نشینی برخوردار است و عمدتاً بخش سنتی اقتصاد درکنار بخش مدرن مشغول به فعالیت است، بی‌آنکه آثار بخش مدرن در بخش سنتی نفوذ کرده و موجب بهبود توزیع درآمد گردد. بنابراین، تحلیل مکانی و شناخت گستره‌های فقر شهری در این شهر جهت آشنایی هر چه بیشتر مدیران و برنامه‌ریزان با بافت‌های فقیر و برنامه‌ریزی آنها برای ساماندهی و توانمندسازی این گونه بافت‌ها ضرورت دارد. بر همین اساس پژوهش حاضر به دنبال آن است که به تعیین گستره‌های فقر در شهر باقرشهر بپردازد. در این راستا به تحلیل مکانی فقر در این شهر در مقطع زمانی (۱۳۹۵) اقدام شده است. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر پهنه بندی فضایی فقر شهری در باقرشهر و تعیین درصد فقر در بلوک‌های این شهر؛ و هم‌چنین سنجش میزان تأثیر عوامل در شکل‌گیری پهنه‌های فضایی فقر شهری باقرشهر است. در این راستا پرسش‌های زیر نیز مطرح می‌گردد که به آنها پاسخ داده می‌شود:

❖ چند درصد بلوک‌های شهر باقرشهر، فقیرنشین به شمار می‌آیند و فقر در چه گستره‌هایی از شهر باقرشهر رسوخ کرده است؟

❖ کدام یک از عوامل بیشترین تأثیر در شکل‌گیری پهنه‌های فضایی فقر شهری باقرشهر داشته است؟

پیشینه تجربی پژوهش

گوستافسون و سای (۲۰۲۰) به رشد فقر نسبی درآمدی طی سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۸۸ پرداخته است. رشد درآمد در بخش‌های میانی توزیع درآمد نسبت به بخش‌های پایین‌تر، سریع‌تر بود. خطر فقر نسبی در شهرهای چین در هر دو سال مورد مطالعه با نبود کار در بین اعضای بزرگسال خانواده، تحصیلات کم سرپرست خانوار، زندگی در یک شهر کم درآمد، تعداد فرزندان و پیر شدن و دریافت نکردن رابطه مثبتی داشته است (Gustafsson & Sai, 2020). گوا و همکاران (۲۰۱۸) به تحلیل فضایی تمرکز فقر در یک شهر مرفه (هنگ کنگ) و تنوع جغرافیایی و همبستگی میزان فقر محله در هنگ کنگ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان‌دهنده آن است که توزیع فقر در شهر هنگ کنگ همگن نیست، بلکه مناطقی که دارای میزان بالایی از فقر هستند، به طور سیستماتیک خوشه‌بندی شده‌اند. این نتایج مشابه یافته‌های مربوط به شهرهای بزرگ و توسعه‌یافته غربی است. با وجود این، در حالی که در شهرهای غربی، فقر عمدتاً در مناطق درون شهری متمرکز است، اما تمرکز سطح بالای فقر در بخش مرکزی شهر و حومه شهر هنگ کنگ یافت می‌شود. این الگوی مربوط به سیاست‌های توسعه شهرهای جدید طی چند دهه گذشته و سیاست مسکن عمومی دولت هنگ کنگ است، که در بسیاری از شهرهای جدید مسکن عمومی ساخته است (Guo et al., 2018). نتایج مطالعه دهوری و موهانتی (۲۰۱۵) بیانگر آن است که ۴۳ درصد جمعیت هند دچار فقر چندبعدی هستند. شش ایالت در هند مشتمل بر بیهار، چاتیسگر، جارکند، مادیا پرادش، ادیشا و بنگال غربی (معادل ۴۵ درصد کل جمعیت)، ۵۸ درصد فقرای چندبعدی را به خود اختصاص داده‌اند. در میان مناطق، بیش از ۷۰ درصد از مردم در منطقه جنوبی چاتیسگر و فلات رانچی فقیر چندبعدی هستند (Dehury & Mohanty, 2015).

در این میان، در برخی از شهرهای استان تهران نسبت به بهنه‌بندی مکانی فقر اقدام شده است. مهدنژاد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به تحلیل همپوشانی بهنه‌بندی مکانی فقر و بافت فرسوده در فضاهای پیراشهر تهران با تاکید بر شهر شهریار پرداخته‌اند. نتایج پژوهش مذکور بیانگر نوعی قطبش اجتماعی در شهر شهریار است. به طوری که محله‌های بردآباد شمالی و بردآباد جنوبی، محمدیه، کرشته، فرهنگ و غیره در وضعیت نامتعارف و محرومی قرار دارند. کمانرودی و همکاران (۱۳۹۵) به تحلیل فرآیند گسترش فضایی سکونتگاه‌های پیرامون کلانشهر تهران در محدوده شهری اسلام شهر - رباط کریم از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۴ پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های آنها، بیشترین و کمترین میزان توسعه فیزیکی این کانون‌ها در طول این دوره، به ترتیب در اسلامشهر، گلستان، نسیم شهر، رباط کریم، صالحیه و نصیرشهر به وقوع پیوسته است. قاسمی سیانی و حقی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیر رسمی در نسیم شهر تهران پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج آنها، محدوده‌های حصارک پایین، وجه آباد و محدوده جنوبی احمد آباد به لحاظ شاخص‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی، دارای بیشترین سکونتگاه غیررسمی و بالاترین میزان فقر شهری هستند. مهدنژاد (۱۳۹۴) در رساله دکتری، به سنجش و تحلیل مکانی گستره‌های فقر در شهر ورامین پرداخته است. نتایج حاصله از تحلیل تطبیقی سازمان فضایی فقر شهری در سال ۱۳۸۵-۱۳۹۵ شهر ورامین در این پژوهش بیانگر کاهش طبقه متوسط و افزایش آن در طبقات فقیر و خیلی فقیر شهر بوده است. صرافی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان واکاوی معیارهای بهنه‌بندی فقر شهری در شهر قدس به تعیین محله‌های فقیرنشین این شهر مبادرت کرده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که

محله‌های شهرک شهید عزیزی، محمدآباد، پشت استادپوم، سرخه حصار و شورای جنوبی به عنوان پهنه‌های فقیرنشین شهر قدس تعیین شده‌اند. با وجود این، تاکنون پژوهشی در رابطه با فقر شهری و تحلیل فضایی آن در شهر باقرشهر صورت نگرفته است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های زیادی در خصوص علل شکل‌گیری پهنه‌های فقر مطرح شده است. نظریه اقتصاد سیاسی، برخاسته از آموزه‌های مارکسیستی، شامل مجموع آراء و تفکرات متنوعی بود که اثر زیادی بر رویکردها و نگرش‌های سده بیستم مرتبط با فقر داشت (Johnston et al., 2001: 671). پذیرش فرضیه‌های مفهوم مادی تاریخ و روش دیالکتیکی، پایه و اساس این مکتب را تشکیل داده است. این نظریه به علل پیدایش سکونت‌گاه‌ها و ریشه مسأله می‌پردازد، چنان‌چه سرمایه‌داری و تحولات آن به متغیر مستقل و اصلی تبدیل می‌شود. دیوید هاروی و تا حدی مانوئل کاستلز، از نمایندگان شاخص این مکتب در چند دهه اخیر معتقدند که شکل فضایی یک جامعه با مکانیسم‌های کلی توسعه آن رابطه نزدیک دارد و برای شناخت شهر باید فرآیندهایی را درک کرد که بوسیله آنها شکل‌های فضایی ایجاد و دگرگون می‌شوند. طرح‌ها و ویژگی‌های معماری شهر و محله‌ها، مبارزه‌ها و ستیزه‌های میان گروه‌های مختلف جامعه را بیان می‌کند، محیط‌های شهری نمایانگر تجلیات نمادین و فضایی نیروهای کلی‌تر اجتماعی‌اند و شکل فیزیکی شهرها محصول نیروهای بازار و قدرت دولت است. آنها بر این نکته تأکید می‌کنند که چگونه محیط ساخته شده (مخلوق)، نظام‌های اقتصادی و اجتماعی قدرت را منعکس می‌نماید (مهدنژاد، ۱۳۹۴: ۴۸).

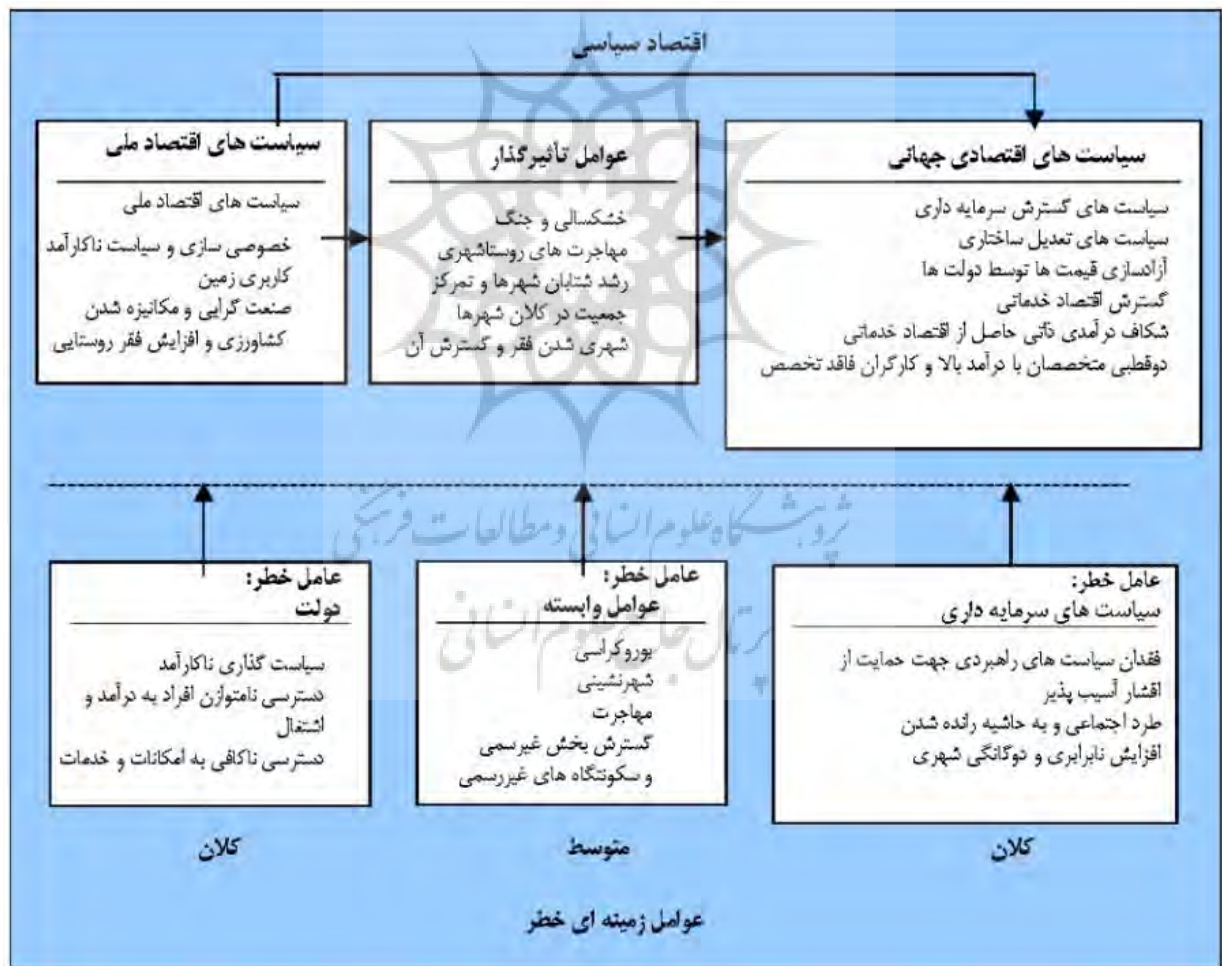
به اعتقاد هاروی، حذف و از بین بردن گتوها و محله‌های فقیرنشین تنها سیاستی مطلوب است که می‌تواند شرایط یا زمینه‌های مساعد رشد محله‌های فقیرنشین را از بین ببرد. در واقع منظور وی تأکید بر لزوم برچیده شدن روابط سرمایه‌داری و فروریزی سرمایه‌داری به مثابه شرط لازم حل مشکل محله‌های فقیرنشین شهری است. از نظر دیوید هاروی حتی راه‌حل‌های موجود نظام سرمایه‌داری برای بهبود اوضاع، ظاهری ناکارآمد است، تا جایی که سیاست‌هایی نظیر بهسازی و ارتقاءبخشی محله‌های فقیرنشین را بزک کردن گتو می‌نامد، از دیدگاه وی این راه‌حل‌های موقتی و ظاهری در حقیقت سد دفاعی بورژوازی در مقابل موج انقلاب طبقه کارگر است. اقتصاد سیاسی راهکارهای لازم برای ساماندهی و بهسازی زندگی و سکونت و زیست در کانون‌های فقیرنشین را ارائه نمی‌کند بلکه تنها راه‌حل مسأله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید، توزیع و مصرف و در مجموع، ساخت اقتصادی و نیز تغییر بنیادین جوامع می‌بینند و راهکارهای مقطعی و موردی را فاقد کارایی لازم می‌داند (هاروی، ۱۳۹۵: ۳۸). نظریه اقتصاد سیاسی به رابطه بین سیاست و اقتصاد با تأکید بر نقش قدرت در تصمیم‌گیری اقتصادی و همین‌طور نقش بازیگران بین‌المللی و دولت می‌پردازد. بر اساس این نظریه، توزیع ناهمسان قدرت در محدوده جامعه و نابرابری‌ها و شکاف‌های مرتبط با آن حاصل سیاست‌های دولت هستند که بیشتر به منافع گروه‌های قدرتمند سرویس می‌دهند. بر اساس این نظریه، فقرای شهری کشورهای در حال توسعه نه تنها از مهاجرت روستا-شهری، رشد بالای جمعیت و زوال محیط زیست تأثیر می‌پذیرند بلکه فرآیندهای ساختاری مرتبط با

سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده در سطوح ملی و بین‌المللی نیز زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Eltayeb, Elhadary & Samat, 2011:4). اهداف نظریه اقتصاد سیاسی شناخت مداخلات توسعه جهت درک فرایندهای سیاسی و اقتصادی غالب در جامعه به خصوص انگیزه‌ها، روابط، توزیع و اختلاف قدرت بین گروه‌ها و افراد مختلف است که همه آنها تا حد زیادی بر نتایج توسعه تاثیر می‌گذارند (Mcloughlin, 2014:2; Carter, 2015:1).

در اواخر دهه ۱۹۹۰، اهداف سیاست‌گذاری از مبارزه با فقر به سمت طرد اجتماعی تغییر جهت داده است. معنای هر دو اصطلاح مناقشه‌انگیز است که به تفاوت‌های بین سنت علمی آنگلو ساکسون و فرانسه بر می‌گردد (Gough 1997: 82; Room, 1997: 256-257; Saraceno 2001: 6). نظریه طرد اجتماعی توسط سیلور (۱۹۹۴) جهت مطالعه طبقه‌های ضعیف شهروندان مطرح شده است. از نظر رویکرد طرد اجتماعی باید علل و پیامدهای کاهش استانداردهای زندگی افراد را فراتر از شاخص‌های فقر جست‌وجو کرد. استفاده از این رویکرد، اندازه‌گیری معایب مختلف را امکان‌پذیر می‌سازد که در کمبود منابع اقتصادی و ساختاری و عدم مشارکت اجتماعی-فرهنگی تجلی می‌یابد (Loktieva, 2016:148). طرد اجتماعی به نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی بین مناطق، شهرها، محله‌های شهری و مناطق روستایی می‌پردازد. بر این اساس، بیشتر فعالیت‌های سیاسی، راهبردی و برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و طرد اجتماعی با تمرکز ویژه بر افزایش سطح استانداردهای زندگی در پهنه‌های فقیر تلاش می‌کنند (Jehoel-Gijsbers & Vrooman, 2007; Krzysztofik et al., 2017:46). طرد اجتماعی فرآیندی است که بوسیله آن افراد خاص به حاشیه و لبه سیستم رانده می‌شوند و بواسطه فقر یا نبود صلاحیت‌های پایه‌ای و فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر و همین‌طور تبعیض از مشارکت آنها جلوگیری به عمل می‌آید. این امر آنها را از فرصت‌های شغلی، درآمد، تحصیلات و شبکه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی جدا می‌سازد. آنها دسترسی اندکی به قدرت و فرآیندهای تصمیم‌گیری دارند، بنابراین احساس بی‌قدرتی می‌کنند و قادر به کنترل تصمیماتی نیستند که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این رو، طرد اجتماعی مفهومی چندبعدی است که فقر درآمدی، بیکاری، دسترسی به آموزش، تسهیلات بهداشتی و مراقبت از کودکان، شرایط زندگی و مشارکت اجتماعی را در بر می‌گیرد (European Commission, 2010:7).

در دو دهه گذشته، نظریه قطبش به صورت جدی وارد پژوهش‌های شهری شده است. هزینه‌های اجتماعی نظیر افزایش قطبش به عنوان نتیجه تغییرات در ساختار درآمد، مشاغل و آموزش، در رابطه با فرآیند شکل‌گیری و توسعه شهر جهانی وجود دارد (Chen et al., 2018:3). به‌طور گسترده دو مفهوم متفاوت از قطبش وجود دارد. نخست، مفهوم دوقطبی شدن، با این ایده ایجاد شده که وجود طبقه متوسط قابل توجه می‌تواند منازعات را کاهش دهد؛ چنانچه در صورت تقسیم جامعه به دو طبقه فقیر و غنی، تنش‌ها افزایش خواهد یافت. در این زمینه، صاحب‌نظرانی نظیر فاستر و ولفسون (۱۹۹۲) و ولفسون (۱۹۹۴) پژوهش‌های زیادی انجام داده‌اند. گرچه این ایده که طبقه متوسط یک نیروی ثبات‌بخش و تثبیت‌کننده است، بسیار قدیمی است و می‌توان حداقل آن را به ارسطو نسبت داد. ارسطو در رساله سیاست در خصوص فضایل طبقه متوسط بحث کرده و اینکه چگونه می‌تواند صداها را دو طبقه افراطی (یعنی ثروتمندان و فقرا) را متعادل سازد. مارکس و انگلس در خصوص طبقه متوسط و شکنندگی آن (یعنی بین پرولتاریا و سرمایه‌داران، به عنوان مثال

خرده‌بورژوازی) بحث کرده‌اند؛ با توجه به این احتمال که در روند توسعه سرمایه‌داری، افراد متعلق به این طبقه بتوانند به صفوف پرولتاریا بپیوندند. هم‌چنین آنها درباره فرآیندهای قطبش بحث کرده‌اند جایی که جامعه سرمایه‌دار به دو طبقه در تقابل با یکدیگر (سرمایه‌داران و کارگران) تبدیل می‌شود. با توجه به غنای بینش‌های مارکس و تفسیرهای چندگانه‌ای آن، نشان می‌دهد که ایده قطبی شدن دارای پیشینه‌هایی در تفکر کلاسیک است. فاستر و ولفسون (۱۹۹۲) و ولفسون (۱۹۹۴)، اصول و محورهای اصلی فرآیند قطبش را بیان کرده‌اند و آن را از نابرابری متمایز نموده‌اند. نابرابری نشانگر توزیع درآمد و تحولی است که ثروتمند را ثروتمندتر و فقیر را فقیرتر می‌سازد بدون اینکه بر طبقه متوسط تأثیر بگذارد. این امر موجب حرکت از طبقه متوسط و بدان وسیله افزایش قطبش خواهد شد. همین‌طور تحول یک شخص فقیر به یک فرد ثروتمند را در نظر بگیرید. این امر باعث می‌شود افراد ثروتمند و فقیر از یکدیگر جدا شوند (و از طبقه متوسط فاصله بگیرند) و بدین ترتیب قطبش بیشتر می‌شود (Motiram & Sarma, 2011: 6-7). با توجه به آنچه که در خصوص نظریه‌های مرتبط با فقر مورد بحث قرار گرفت، در شکل شماره ۱، مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است.



شکل ۱ - مدل مفهومی پژوهش (ماخذ: تنظیم نگارندگان، ۱۴۰۱)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن، توصیفی - تحلیلی است. با توجه به شاخص‌های بررسی شده، از رویکرد کمی استفاده گردید. جامعه آماری در این پژوهش، محدوده قانونی باقرشهر در سال ۱۴۰۰ می‌باشد. اطلاعات لازم از بلوک‌های آماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ استخراج شده است. بر این مبنا، بلوک‌های باقرشهر از طریق ۲۷ شاخص ارزیابی شدند. بدین صورت که در نرم‌افزار Arc/GIS، با استفاده از اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی، شاخص‌سازی صورت گرفت؛ سپس از شاخص‌ها خروجی گرفته و به محیط Excel انتقال داده شد. بعد از انجام مراحل فوق، شاخص‌ها را به محیط نرم‌افزار SPSS منتقل کرده و از طریق مدل تحلیل عاملی، شاخص‌ها به ۳ عامل طبقه‌بندی گردیدند. مقدار ویژه، درصد واریانس، واریانس تجمعی و همچنین، ضریب اختلاف (شکاف برخورداری بین بلوک‌ها) برای هر یک از عوامل سه گانه محاسبه شده است. با توجه به هر یک از عوامل استخراجی، بلوک‌های شهر در ۵ گروه بسیار مرفه، مرفه، متوسط، فقیر و بسیار فقیر قرار گرفت. در جدول شماره ۱، به شاخص‌های پژوهش اشاره شده است.

جدول ۱ - شاخص‌های پژوهش

شاخص	ردیف	شاخص	ردیف	شاخص	ردیف	شاخص	ردیف
تراکم نفر در واحد مسکونی	۲۲	میزان تراکم جمعیت شهری	۱۵	میزان فعالیت	۸	متوسط بعد خانوار	۱
سرايه ناخالص مسکونی	۲۳	تراکم کلی مسکونی	۱۶	بارمعیشت	۹	بار تکفل	۲
نرخ سالخوردگی	۲۴	متوسط مساحت اتاق بر نفر	۱۷	مشارکت اقتصادی	۱۰	بار جمعیت	۳
نرخ بیکاری	۲۵	نرخ بیسوادی	۱۸	مشارکت اقتصادی زنان	۱۱	نسبت جوانی	۴
بیکاری مردان	۲۶	نرخ سرباری	۱۹	ضریب اشتغال	۱۲	میزان فعالیت عمومی	۵
بار تکفل خالص	۲۷	میزان اشتغال جمعیت	۲۰	تراکم خالص مسکونی	۱۳	نسبت باسوادی	۶
		متوسط خانوار در واحد مسکونی	۲۱	تراکم جمعیت در واحد مسکونی	۱۴	میزان اشتغال به تحصیل	۷

ماخذ: مهدنژاد و همکاران، ۱۳۹۹؛ حسینی نیا و مهدوی سعیدی، ۱۳۹۹؛ کمانرودی و همکاران؛ ۱۳۹۵؛ قاسمی سیانی و حقی، ۱۳۹۵؛ مهدنژاد، ۱۳۹۴؛

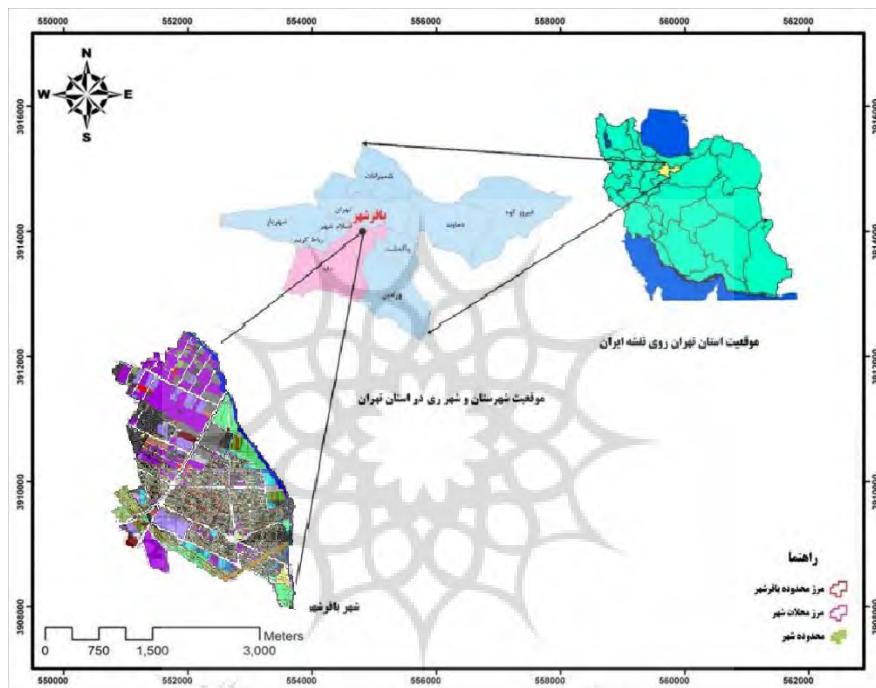
صرافی و همکاران، ۱۳۹۳؛ Gustafsson & Sai, 2020; Guo et al.,2018; Chen et al.,2018; Loktieva, 2016; Dehury &

Mohanty,2015; Motiram & Sarma,2011

محدوده جغرافیایی پژوهش

باقرشهر در ۳۵ درجه عرض شمالی و ۵۱ درجه طول شرقی قرار دارد. این شهر به فاصله کمی از ضلع جنوبی محدوده کلان شهر تهران قرار دارد و یکی از شهرهای شهرستان ری است که تا سال ۱۳۷۶ تحت پوشش منطقه ۲۰ شهرداری تهران بوده است. از این سال به بعد با تاسیس شهرداری مستقل، حریم استحقاقی آن نیز مشخص شده است. باقرشهر در مجاورت جاده قدیم تهران - قم که محور اصلی و انسجام‌بخش این منطقه است، قرار دارد. این شریان حیاتی باعث جدایی کالبدی بین بخش‌های شرقی و غربی شهر شده است. باقرشهر را بین الحریمین نیز می‌نامند زیرا این شهر بین حرم بنیان‌گذار کبیر

انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و همین‌طور حرم حضرت سیدالکریم (ع) قرار دارد (ارمغان، ۱۳۹۶: ۱۸۰). مساحت باقرشهر ۲۵۲۱۴۰۰ متر مربع (۲۵۲/۱ هکتار) بوده که بعد از تصویب طرح جامع در سال ۱۳۸۷ به ۵۲۲/۸ هکتار افزایش یافته است. از نظر نظام محله‌ای با توجه به سلسله‌مراتب جمعیتی و وسعتی به چهار ناحیه و ۱۲ محله تقسیم شده است. گسترش بی‌رویه باقرشهر و افزایش جمعیت این شهر به ایجاد مشکلات و معطل‌های زیادی به خصوص در زمینه تأمین خدمات زیربنایی، مشکلات زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و غیره منجر شده است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۱). شکل شماره ۲، موقعیت جغرافیایی شهر باقرشهر در تقسیمات سیاسی ایران را نشان داده است.



شکل ۲ - موقعیت جغرافیایی محدوده پژوهش (منبع: ترسیم نگارندگان، ۱۴۰۱)

یافته‌های تحقیق

در بخش حاضر ابتدا، عامل‌ها، مقادیر ویژه، واریانس و ضریب اختلاف عامل‌ها در تحلیل داده‌ها محاسبه شده است. سپس به تفکیک هر یک از عامل‌ها، پهنه‌های فقر مشخص شده است. در نهایت با تلفیق عوامل، میزان فقر شهری در بلوک‌های شهری باقرشهر مشخص شده است.

تحلیل الگوی فضایی فقر شهری باقرشهر: برای تحلیل الگوی فقر شهری در این پژوهش، از تحلیل عاملی با روش مؤلفه‌های اصلی استفاده شد که هدف آن سنجش میزان فقر شهری با استفاده از خلاصه کردن تعداد زیادی از شاخص‌ها به عوامل معنی‌دار بود. بلوک‌های شهر با ۲۷ شاخص مورد ارزیابی شدند. شاخص‌های به کار رفته به ۳ عامل از طریق چرخش واریماکس تقلیل پیدا کردند. مجموع سه عامل ۹۰/۴۳ درصد از واریانس را تبیین نمود، که نشان از رضایت بخش

بودن تحلیل عاملی و متغیرهای مورد مطالعه بود. در جدول شماره ۲، مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی هر عامل ذکر شده است.

جدول ۲ - عامل‌ها، مقادیر ویژه، واریانس و ضریب اختلاف عامل‌ها در تحلیل داده‌ها

نام عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۱۱/۷۹	۴۲/۱۱	۴۲/۱۱
عامل دوم	۷/۵۹	۲۷/۱۱	۶۹/۲۲
عامل سوم	۵/۹۳	۲۱/۲۱	۹۰/۴۳

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۰

عامل نخست: در این عامل ۱۷ شاخص متوسط بعد خانوار، بار تکفل، بار جمعیت، نسبت جوانی، میزان فعالیت عمومی، نسبت باسوادی، میزان اشتغال به تحصیل، میزان فعالیت، بارمعیشت، مشارکت اقتصادی، مشارکت اقتصادی زنان، ضریب اشتغال، تراکم خالص مسکونی، تراکم جمعیت در واحد مسکونی، میزان تراکم جمعیت شهری، تراکم کلی مسکونی، متوسط مساحت اتاق بر نفر قرار گرفته‌اند. مقدار ویژه این عامل ۱۱/۷۹ می‌باشد که ۴۲/۱۱ درصد از واریانس را تبیین می‌کند (جدول ۳). بر اساس این جدول، ۱۷ متغیر در عامل اول بارگذاری شده‌اند. این عامل بیشترین تأثیر را در بین عوامل چهارگانه داشته است. توزیع فضایی فقر از لحاظ این شاخص نشان داد که گستره‌های فقر در نواحی حاشیه‌ای شهر استقرار یافته بود (شکل ۳).

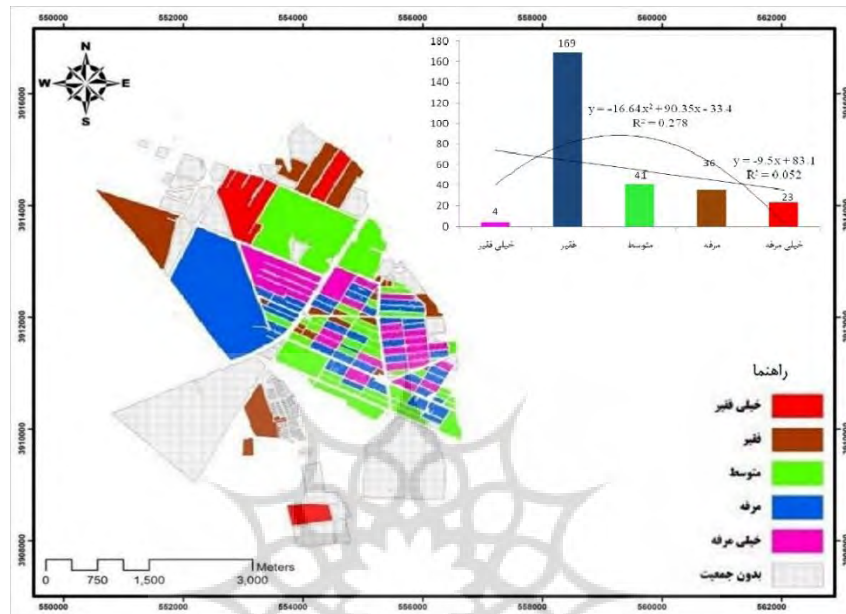
جدول ۳ - متغیرهای بارگذاری شده در عامل اول

ردیف	متغیر	همبستگی	ردیف	متغیر	همبستگی	ردیف	متغیر	همبستگی
۱	متوسط بعد خانوار	۰/۷۳۳	۷	میزان اشتغال به تحصیل	۰/۷۸۵	۱۳	تراکم خالص مسکونی	۰/۸۹۲
۲	بار تکفل	۰/۷۴۶	۸	میزان فعالیت	۰/۷۱۵	۱۴	تراکم جمعیت در واحد مسکونی	۰/۷۱۰
۳	بار جمعیت	۰/۷۱۵	۹	بارمعیشت	۰/۷۰۲	۱۵	میزان تراکم جمعیت شهری	۰/۸۹۴
۴	نسبت جوانی	۰/۷۶۶	۱۰	مشارکت اقتصادی	۰/۷۱۵	۱۶	تراکم کلی مسکونی	۰/۸۹۴
۵	میزان فعالیت عمومی	۰/۶۶۵	۱۱	مشارکت اقتصادی زنان	۰/۷۱۰	۱۷	متوسط مساحت اتاق بر نفر	۰/۷۱۱
۶	نسبت باسوادی	۰/۷۳۶	۱۲	ضریب اشتغال	۰/۷۰۲			

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۰

در شکل ۳، روند تغییرات فقر شهری باقرشهر نشان داده شده است. چنانچه ملاحظه می‌گردد به لحاظ عامل اول، ۲۳ بلوک خیلی مرفه، ۳۶ بلوک مرفه، ۴۱ بلوک متوسط، ۱۶۹ بلوک فقیر، ۴ بلوک خیلی فقیر بوده‌اند. به بیان دیگر، توزیع فضایی فقر شهری از منظر عامل اول در شهر باقرشهر بدین ترتیب بوده است: ۸/۴ درصد بلوک‌های شهر جزء طبقه خیلی مرفه، ۱۳/۲ درصد مرفه، ۱۵ درصد متوسط، ۶۱/۹ درصد فقیر و ۱/۵ درصد در صد خیلی فقیر بوده‌اند. از سوی دیگر، نتایج مدل رگرسیونی نیز مبین آن است که بدست آمده ۰/۲۷۸ می‌باشد. می‌توان گفت که عامل نخست، ۲۷/۸ درصد از تغییرات

جامعه را تبیین نموده است. همان‌طور که نقشه پهنه بندی فقر بر مبنای عامل نخست در باقر شهر نشان می‌دهد بیشتر بلوک های شهر باقر شهر به طبقه متوسط اختصاص یافته است و در بخش‌های مرکزی، شمال، جنوب، شمال شرقی و جنوب شرقی تمرکز یافته‌اند. افزون بر این، پهنه‌های وسیعی از شمال غربی به طبقه مرفه اختصاص یافته است. در این میان بخش‌هایی از شمال شهر و شمال غربی آن به طبقه فقیر اختصاص پیدا کرده است (شکل ۳).



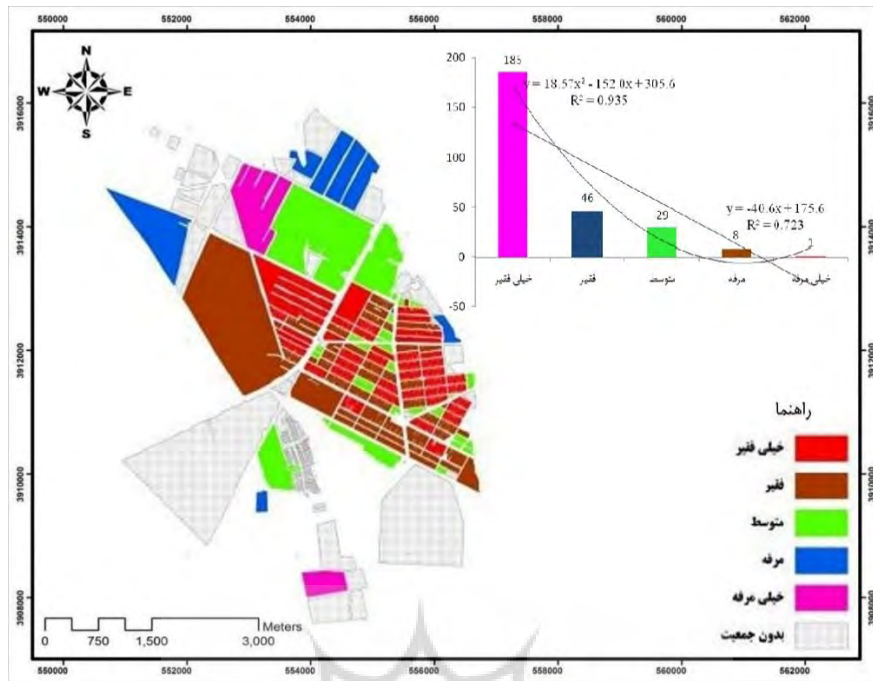
شکل ۳ - نقشه پهنه بندی فقر بر مبنای عامل نخست در باقر شهر (منبع: ترسیم نگارندگان بر اساس بلوک های آماری مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)

عامل دوم: مقدار ویژه این عامل ۷/۵۹ بود که ۲۷/۱۱ درصد از واریانس را توجیه کرده است (جدول ۴). با توجه به شکل شماره ۴، از نظر عامل دوم، ۱ بلوک خیلی مرفه ۴ درصد، ۸ بلوک مرفه ۲/۹ درصد، ۲۹ بلوک متوسط ۱۰/۶ درصد، ۴۶ بلوک فقیر ۱۶/۸ درصد، ۱۸۵ بلوک ۶۷/۸ درصد خیلی فقیر بوده‌اند. از لحاظ عامل دوم پهنه‌های فقر در بافت فرسوده تمرکز یافته است. هم‌چنین نتایج مدل رگرسیونی نیز بیانگر آن بود که، ۹۳/۵ درصد درصد از تغییرات Y توسط X قابل بیان می‌باشد، لذا ۶/۵ درصد درصد تغییرات Y تبیین نشده باقی می‌ماند که معلول عواملی است که در الگوی رگرسیون لحاظ نشده‌اند. همان‌طور که نقشه پهنه‌بندی فقر بر مبنای عامل دوم در باقر شهر نشان می‌دهد پهنه مرکزی شهر و جنوبی شهر تحت تسلط طبقه فقیر و خیلی فقیر قرار گرفته است. در این میان بخش شمالی شهر به طبقه متوسط و ثروتمند اختصاص یافته است. بر اساس این عامل، یک شکاف جغرافیایی فقیر و غنی در سطح شهر به وضوح مشاهده می‌شود (شکل ۴).

جدول ۴ - متغیرهای بارگذاری شده در عامل دوم

ردیف	متغیر	همبستگی	ردیف	متغیر	همبستگی
۱	نرخ بیسوادی	۰/۷۳۹	۳	میزان اشتغال جمعیت	۰/۷۲۸
۲	نرخ سرباری	۰/۶۴۵	۴	متوسط خانوار در واحد مسکونی	۰/۷۹۵
			۵	تراکم نفر در واحد مسکونی	۰/۷۳۶
			۶	سرانه ناخالص مسکونی	۰/۸۳۱

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۰



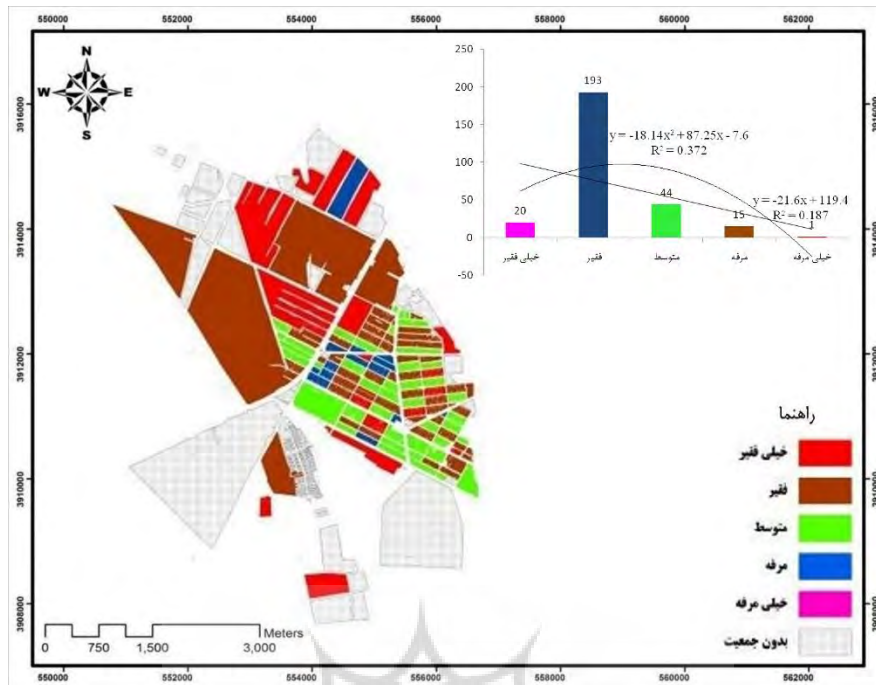
شکل ۴ - پهنه‌بندی فقر بر مبنای عامل دوم در باقر شهر (منبع: ترسیم نگارندگان بر اساس بلوک های آماری مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)

عامل سوم: مقدار ویژه این عامل ۵/۹۳ بوده که ۲۱/۲۱ درصد از واریانس را تبیین می‌کند در این عامل ۴ متغیر قرار گرفته‌اند (جدول ۵). شکل شماره ۵، نشان داد که از منظر عامل سوم، یک بلوک خیلی مرفه چهار درصد، ۱۵ بلوک مرفه ۵/۵ درصد، ۴۴ بلوک متوسط ۱۶/۱ درصد، ۱۹۳ بلوک فقیر ۷۰/۷ درصد، ۲۰ بلوک خیلی فقیر ۷/۳ درصد بوده‌اند. نتایج مدل رگرسیونی نیز گویای آن بود که ۳۷/۲ درصد از تغییرات Y قابل بیان به وسیله X است و ۶۲/۸ درصد تغییرات Y تبیین نشده است و معلول عواملی است که در این عامل بیان نگردیده است. همانطور که نقشه پهنه‌بندی فقر بر مبنای عامل سوم در باقر شهر نشان می‌دهد طبقه متوسط و فقیر در پهنه مرکزی و جنوبی شهر تقریباً به طور مساوی توزیع شده‌اند و به نوعی همزیستی رسیده‌اند. همین‌طور بخش از محدودی از این پهنه به طبقه مرفه اختصاص یافته است. در عین حال بخش شمالی و غربی شهر به طبقه فقیر و خیلی فقیر اختصاص یافته است. این طبقه به وضوح این بخش از شهر را تحت تسلط خود در آورده‌اند (شکل ۵).

جدول ۵ - متغیرهای بارگذاری شده در عامل سوم

ردیف	متغیر	همبستگی	ردیف	متغیر	همبستگی	ردیف	متغیر	همبستگی	ردیف	متغیر	همبستگی
۱	نرخ	۰/۵۴۵	۲	نرخ	۰/۸۷۱	۳	بیکاری	۰/۸۸۵	۴	بارتکفل خالص	۰/۹۰۷
	سالم‌خوردگی			بیکاری			مردان				

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۰

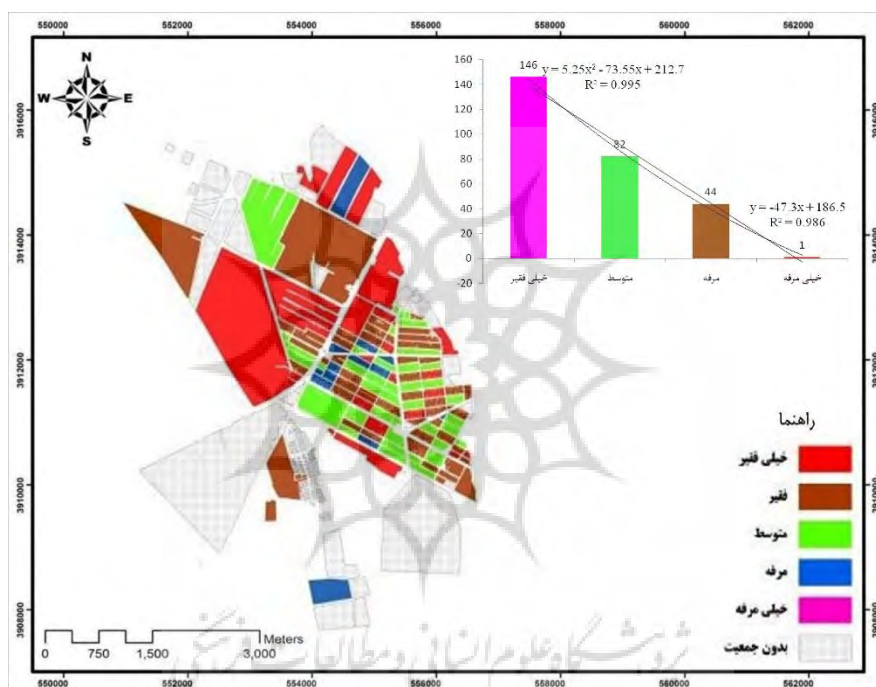


شکل ۵ - پهنه بندی فقر بر مبنای عامل سوم در باقر شهر (منبع: ترسیم نگارندگان بر اساس بلوک های آماری مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)

بحث و نتیجه گیری

شهری شدن فقر پدیده‌ای است که شهرهای معاصر را به سمت نابرابری و عدم تعادل فضایی شدید سوق داده است. در این میان شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بر شکل‌گیری گستره‌های فقر شهری تأثیر می‌گذارند. در این راستا با استفاده از مدل تحلیل عاملی به سنجش میزان تأثیر عوامل در شکل‌گیری پهنه‌های فقر شهری باقر شهر پرداخته شده است. نتایج تلفیق عوامل فوق بر اساس مدل تحلیل عاملی نشانگر آن است که تعداد ۱۴۶ بلوک معادل ۵۳ درصد خیلی فقیر و فقیر، ۸۲ بلوک معادل ۳۰ درصد متوسط، ۴۴ بلوک معادل ۱۷ درصد مرفه و خیلی مرفه بوده‌اند. نتایج مدل رگرسیونی نیز نشان داد که ۹۹/۵ درصد از تغییرات Y قابل بیان به وسیله X است و ۰/۵ درصد تغییرات Y تبیین نشده بود و معلول عواملی است که در این عامل بیان نشده است. در شکل شماره ۶، پهنه‌بندی الگوی فضایی تلفیقی شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و مدل رگرسیونی نمایش داده شده است. بر اساس یافته‌های حاصل از شاخص‌های فقر شهری، مجموع درصد واریانس، در سه عامل، ۹۰/۴۳ درصد است. از این میزان، ۴۲/۱۱ درصد آن، در عامل اول جمع شده است. این موضوع، نشان‌دهنده ارزش و اهمیت عامل اول در مقایسه با عامل‌های بعدی است. در این عامل ۱۷ شاخص متشکل از متوسط بعد خانوار، بار تکفل، بار جمعیت، نسبت جوانی، میزان فعالیت عمومی، نسبت باسوادی، میزان اشتغال به تحصیل، میزان فعالیت، بار معیشت، مشارکت اقتصادی، مشارکت اقتصادی زنان، ضریب اشتغال، تراکم خالص مسکونی، تراکم جمعیت در واحد مسکونی، میزان تراکم جمعیت شهری، تراکم کلی مسکونی، متوسط مساحت اتاق بر نفر قرار گرفته‌اند. این امر نشان دهنده آن است که عامل اول بیشترین تأثیر را بر فقر شهری در باقر شهر دارد. پس از عامل اول به ترتیب

عامل‌های دوم (۲۷/۱۱ درصد از مجموع درصد واریانس) و سوم (۲۱/۲۱ درصد از مجموع درصد واریانس) قرار دارند. تحلیل نقشه پهنه‌بندی فقر شهری در شهر باقرشهر نشان دهنده آن است که شهر به طور عمده تحت تسلط طبقه فقیر و بسیار فقیر قرار گرفته است. به طوری که فقر در تمام سلول‌های شهر نفوذ کرده و عینیت مکانی و فضایی یافته است. پهنه غربی شهر به طور کامل به مکان سکونت طبقه فقیر و خیلی فقیر تبدیل شده است. همین‌طور در شمال شرقی شهر، اسکان طبقه فقیر به وضوح دیده می‌شود. از این لحاظ نتایج پژوهش با یافته‌های مهدنژاد و همکاران (۱۳۹۹) و مهدنژاد (۱۳۹۴) مطابقت دارد. چرا که بیش از ۵۰ درصد بلوک‌های شهری به طبقه خیلی فقیر اختصاص یافته است. تنها بخش‌های محدودی از پهنه مرکزی و شمال شهر به طبقه متوسط و مرفه اختصاص پیدا کرده است. در واقع، دوگانگی بافت شهری از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پدیده‌ای آشکار در این شهر است (شکل ۶).



شکل ۶- پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های شهری باقرشهر (منبع: ترسیم نگارندگان بر اساس بلوک‌های آماری مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)

بر اساس یافته‌های حاصل از پهنه‌بندی فقر شهری باقرشهر، طبقه فقیر و بسیار فقیر در تمام بلوک‌های شهر نفوذ کرده است و سیمای شهر تحت تسلط آنها قرار گرفته است. به طوری که بیش از ۵۰ درصد بلوک‌های شهری به طبقه فقیر و خیلی فقیر اختصاص یافته است. در این میان، بیشترین تمرکز فقر در محدوده پیرامون جاده قم، میدان امام خمینی، خیابان آیت اله کاشانی و محدوده‌های پایین‌تر از شهر سنگ تمرکز یافته است. همین‌طور فقر در تمام بلوک‌های پهنه بافت فرسوده وجود باقر شهر دارد. طبقه متوسط در بخش مرکزی شهر تمرکز شده است. طبقه مرفه نیز در بخش‌های محدودی از شمال شهر استقرار پیدا کرده است. آمارها گویای واقعیت‌های بسیاری در شهر باقرشهر می‌باشد؛ به این معنا که پایگاه اقتصادی - اجتماعی بیشتر جمعیت این شهر در زمره اقشار فقیر و آسیب‌پذیر قرار دارند. این وضعیت توازن شهر را بر هم زده و آن را در یک حالت نامتعادل و بحرانی قرار داده است. در حالت عادی باید طبقه متوسط به عنوان بزرگ‌ترین

طبقه شهری باشد، در حالی که در شهر باقر شهر این وضعیت برعکس شده و طبقه متوسط بسیار کوچک شده است. از این لحاظ نتایج پژوهش حاضر با گوستافسون و سای (۲۰۲۰)، گوا و همکاران (۲۰۱۸)، نتایج مطالعه دهوری و موهاتی (۲۰۱۵)، قاسمی سیانی و حقی (۱۳۹۵) و صرافی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد. چرا که در نتیجه توزیع مکانی فقر و تجمع آن در بخش‌های زیادی از شهر، پدیده نابرابری فضایی و به تبع آن، جدایی‌گزینی اجتماعی-مکانی به صورت چشمگیری ایجاد شده و شهر با شتاب به سوی قطبش اجتماعی در حال حرکت است. بر همین اساس پیشنهادهایی جهت مقابله با گسترش فقر شهری در باقرشهر ارائه شده است (جدول ۶).

جدول ۶ - راهکارهای کاهش فقر شهری در باقرشهر

ردیف	پیشنهاد
۱	تدوین برنامه توانمندسازی، نیازسنجی و اولویت‌بندی نیازهای باقرشهر با هدف حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی، ارتقای وضعیت معیشت، اشتغالزایی و بهبود مسکن و پروژه‌های ظرفیت‌سازی توسط شهرداری
۲	ارتقای سرانه‌های خدمات شهری از قبیل پروژه‌های ساخت و احداث مراکز آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، فنی و حرفه‌ای، ایجاد دسترسی، احداث شبکه‌های آب و فاضلاب، آب آشامیدنی سالم، روشنایی معابر به خصوص در محدوده پیرامون جاده قم، میدان امام خمینی، خیابان آیت اله کاشانی و محدوده‌های پایین‌تر از شهر سنگ
۳	بهره‌گیری از اجتماعات محلی جهت مشارکت در آگاهی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در مراحل مختلف برنامه‌های توسعه محله‌های فقیرنشین باقرشهر به خصوص پهنه غربی آن
۴	تقویت سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های خودجوش محلی در ایجاد همبستگی اجتماعی و حفظ هویت محله‌ای در باقرشهر
۵	آموزش ساکنان محله‌های فقیرنشین باقرشهر و آگاه نمودن آنها در خصوص حقوق شهروندی آنها.

ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

منابع

- ارمغان، سیمین (۱۳۹۶). چالش‌ها و چشم‌اندازهای نقش کارآفرینی در توسعه روستایی ایران؛ مطالعه موردی روستاهای بخش باقرشهر، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۸(۱): ۱۹۲-۱۷۳.
- حسینی‌نیا، سیداحمد و مهدوی سعیدی، پسند (۱۳۹۹). ارزیابی فقر شهری از دیدگاه شهروندان در کلانشهر اصفهان، کنگره بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری در آسیا، توکیو، ژاپن.
- صرافی مظفر؛ نوذری، کمال؛ میرزایی، نواب (۱۳۹۳). واکاوی معیارهای پهنه‌بندی فقر شهری در شهر قدس: به سوی مفهوم مشترک محدوده‌های فرودست شهری، نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر، ۴(۴۷-۴۸): ۲۴-۷.
- قاسمی سیانی، محمد و حقی، مهدی (۱۳۹۵). تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیر رسمی از منظر عدالت فضایی مطالعه موردی: نسیم شهر تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۶(۲۴): ۲۶۵-۲۴۵.
- کمانرودی، موسی؛ پرزادی، طاهر؛ بیگدلی، محمد (۱۳۹۵). فرآیند گسترش فضایی سکونتگاه‌های پیرامون کلانشهر تهران (مورد مطالعه: محدوده شهری اسلام شهر-رباط کریم)، فصلنامه مطالعات شهری، ۶(۲۱): ۶۴-۵۱.

مشکینی، ابوالفضل. سجادی، ژیلا. دین دوست، جواد. تفکری، اکرم (۱۳۹۰). ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با شیوه توانمندسازی (مورد مطالعه: باقرشهر - محله باباجعفری)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۶(۱۰۲): ۱۴۸-۱۲۳.

مهدنژاد، حافظ؛ زنگانه، احمد؛ رضوانی سعیدی، نوید (۱۳۹۹). تحلیل همپوشانی پهنه بندی مکانی فقر و بافت فرسوده در فضاهاى پیراشهر تهران، مجله توسعه فضاهاى پیراشهری، ۲(۳): ۱۹۲-۱۷۵.

مهدنژاد، حافظ (۱۳۹۴). سنجش و تحلیل مکانی گستره های فقر شهری (مورد مطالعه: شهر ورامین)، رساله جهت دریافت درجه دکتری در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.

هاروی، دیوید (۱۳۹۵). عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و محمدرضا حائری، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران، چاپ دوم، تهران.

- Biau, D. Three things that we should know about slums. *Habitat Debate*, 2007; 13(1): 1-20.
- Carter, B. Political economy constraints for urban development, GSDRC, Applied Knowledge Service, Helpdesk Research Report; 2015.
- Chen, Ng. M. K. Lee. J Sze Mak, W. W. Socio-spatial polarization and the (re-)distribution of deprived groups in world cities: A case study of Hong Kong, *Urban Geography*; 2018: 1-64.
- Christiaensen, L. Weerdt, J. D & Kanbur, R. Urbanization and Poverty Reduction: The Role of Secondary towns in Tanzania, Prepared for The Planning Commission, President's Office, Tanzania; 2015.
- Christiaensen, L. Weerdt, J. D & Todo, Y. Urbanization and Poverty Reduction: The Role of Rural Diversification and Secondary Towns, The World Bank, Africa Region, Office of the Chief Economist; April 2013.
- Dehury, B & Mohanty, S. K. Regional Estimates of Multidimensional Poverty in India, *Economics Discussion Papers*, 34(205):1-23, Kiel Institute for the World Economy; 2015.
- Eltayeb Elhadary, A & Samat, N. Political Economy and Urban Poverty in the Developing Countries: Lessons Learned from the Sudanese Experience, *Journal of Geography and Geology*, 2011; 3(1): 1-20.
- European Commision. Combating poverty and social exclusion: A statistical portrait of the European Union 2010, ISSN 1830-7906, Luxembourg; Publications Office of the European Union; 2017.
- Gough, I. Social aspects of the European model and its economic consequences. In: Beck, W, van de Maesen, L. and Walker, A. (eds.). *The Social Quality of Europe*. The Hague: Kluwer Law International; 1997.
- Guo, Y. Chang, S-S. Sha, F & Yip, P.S.F. Poverty concentration in an affluent city: Geographic variation and correlates of neighborhood poverty rates in Hong Kong. *PLoS ONE*, 2018; 13(2): 1-17.
- Gustafsson, B & Sai, D. Growing into Relative Income Poverty: Urban China, 1988–2013, *Social Indicators Research*, 2020; 147:73–94.

- Jehoel-Gijsbers, G. Vrooman, C. Explaining Social Exclusion: A theoretical model tested in the Netherlands, The Netherlands Institute for Social Research/scp, The Hague; July 2007.
- Johnston, R. j. Gregory, D. Pratt, G. Watts, M. *The Dictionary of Human Geography*, 4th Edition, Black well. New York; 2001.
- IRIN. Tomorrow's crises today: The humanitarian impact for urbanisation. Retrieved from <http://www.irinews.org/InDepthMain.aspx?InDepthID=63&ReportId=73996>; 2007.
- Krzysztofik, R. Dymitrow, M. Grzelak-Kostulska, E. Biegańska, J. Poverty and social exclusion: An alternative spatial explanation, *Bulletin of Geography. Socio-economic Series*, (2017): 35; 45-64.
- Loktieva, I. Approaches to Empirical Analysis of Social Exclusion: International Comparison, *Economics and Sociology*, 2016; 9(2): 148-157.
- McLoughlin, C. Political economy analysis: topic guide (2nd Ed.). Birmingham, UK: GSDRC, University of Birmingham. <http://www.gsdc.org/docs/open/PEA.pdf>; 2014.
- Mitlin, D & Satterthwaite, D. *Urban Poverty in the Global South: Scale and Nature*. Routledge, London; 2013.
- Montgomery, M. *Urban Poverty and Health in developing Countries*, Population Reference Bureau, 2009; 64(2): 1-18.
- Motiram, S & Sarma, N. *Polarization, Inequality and Growth: The Indian Experience*, Indira Gandhi Institute of Development Research, Mumbai; June 2011.
- Owusu G. Introduction: Urban Crime and Poverty Nexus, *Ghana Journal of Geography*, 2016; 8(1): 1-10
- Ravallion, M. Chen, S & Sangraula, P. *The Urbanization of Global Poverty*, World Bank Research Digest, 2007; 1(4): 1-21.
- Room, G. *Social Quality in Europe: Perspectives on Social Exclusion*. In Beck, W., van de Maesen, L. and Walker, A. (Eds.). *The Social Quality of Europe*. The Hague: KluwerLaw International; 1997.
- Saraceno, C. *Social exclusion, Cultural Roots and Diversities of a Popular Concept*. Paper presented at the conference 'Social exclusion and children', 3-4 may 2001 at the Institute for Child and Family Policy. Columbia: Columbia University; 2001.
- Spence, M. Annez, P. C. & Buckley, R. M (eds). *Urbanisation and Growth*. Commission on Growth and Development, World Bank, Washington D.C; 2009.
- Tacoli, C. McGranahan, G & Satterthwaite, D. *Urbanization, Rural-urban Migration and Urban Poverty*, Human Settlements Group, International Institute for Environment and Development, London; 2014.
- Tacoli, C. *Urbanization, gender and urban poverty: paid work and unpaid carework in the city*, Urbanization and Emerging Population Issues Working Paper; March 2012.
- Turok, I & McGranahan G. *Urbanisation and economic growth: the arguments and evidence for Africa and Asia*. *Environment and Urbanization*, 2013; 25(2): 465-482.
- UN-Habitat. *Urbanization and Development: Emerging Futures*. World Cities Report 2016. UN-Habitat: Nairobi; 2016.

United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat). Enhancing Urban Safety and Security: Global Report on Human Settlements, Earthscan in the UK and US; 2007.

United Nations. World Urbanization Prospects the 2014 Revision, the Department of Economic and Social Affairs of the United Nations, New York; 2014.

World Bank. Systems of Cities: Harnessing Urbanization for Growth and Poverty Alleviation; July 2010.



Spatial Zoning of Urban Poverty in Baghershahr

Hamira Nadim^{1*}, Hossein Hataminejad², Ali Nourikermani³

1. PhD student, Faculty of Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Faculty of Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Poverty has become a pervasive phenomenon around metropolitan areas. Meanwhile, Baqershahr is one of the urban areas around Tehran that has grown rapidly and unsystematically. Its population has more than increased 34 times in the last fifty years. Accordingly, the purpose of present research is determination of urban poverty zones in this city is for planning managers and policy makers to organize and empower them. This research is an applied one and its method is descriptive-analytical. Factor analysis was used to data analysis. GIS software has been used to maps preparation. Using GIS software and factor analysis model, have been identified poverty zones in Baqershahr. Finding of research has showed that blocks 146 (%53.5) were very poor, blocks 82 (%30) of average, blocks 44 (%16.1) of very prosperous, and block 1(%4) of very prosperous. Resault has showed that the city is mainly dominated by the poor and very poor. So that poverty has penetrated into all the cells of the city and has found a spatial objectivity. The western part of the city has completely become the residence of the poor and very poor. Also in the northeast of the city, the housing of the poor is clearly seen. In fact, more than 50% of urban blocks are allocated to the very poor. Only a limited part of the central and northern part of the city is dedicated to the middle and affluent class. The highest concentration of poverty is concentrated in the area around Qom Road, Imam Khomeini Square, Ayatollah Kashani Street and lower areas of Shahr Sang.

Keywords: Urban poverty, poor neighborhoods, spatial zoning, spatial analysis, Baghershahr.